

## خدا؟ يا طبيعت؟

در جهان يك نظم قطعی بر قرار است : طلوع و غروب خورشید همچون چراغی که بر بالای تابوئی دائماً خاموش و روشن میشود انسان متفکر را هشدار میدهد ، فصول چهارگانه از پی یکدیگر متناوباً فرا میرسند و ماه در مدار تنظیم خود آهسته حرکت میکند .

زمانی قمر تمام و گاهی بشکل هلال نمایان میشود ، ابرها پدیدار و زمین مرده را زنده میکنند ، جاندار و بیجان همه با دقت عجیبی ساخته شده و با هم آمیخته شده اند و رفتار هر يك ناشی از طرز ساختمان آن است .

### آری طبيعت نمیتواند هوس باز باشد

سر تا با قانون و حسابست و برای همین است که انسان در پی کشف قوانین آن تلاش میکند و بنسای علم را میسازد . تمام تحقیقات علمی با ایمان بنظم عقلانی طبیعت آغاز میگردد و ترقیات شکست انگیز علوم نشان داده است که این اعتقاد نه تنها خرافات نیست بلکه شاه سادقی از نظم و حساب جهان با عظمت است اکنون عده ای تمام اینها را به حساب طبیعت میگذارند و گروهی به حساب

---

از ۳۰ بار چاپ رسیده است و با توجه باینکه اختراع چاپ ۱۴۵۰ و چاپ اولین ترجمه بهربی در ۱۴۹۱ بوده است اهمیت آن و تاثیرشکرف آن در اروپا به خوبی روشن می گردد خصوصاً که تنها دوسی سال آخر قرن ۱۵ - ۱۶ بار و در قرن ۱۶ ۲۰ بار متن کامل آن به چاپ رسیده که علاوه بر آن چاپ خلاصه و با بعضی قسمت های آن از شمار بیرون است .

و تا همین اواخر در اروپا منبع استثنائی ناطع و غیر مشکوک مجامع علمی بوده و در نزد کترین مرجع علمی دنیای قرن ۱۹ در دانشگاه مون پلیه تدریس می شده است .  
(شرح قانون در شماره بعد)

## گنج شایگان — خدا یا طبیعت

خداوند گذاشته و همگی را ناشی از اراده و مشیت او میدانند و بهیارت دیگر عده‌ای صحبت از نظم میکنند و گروهی صحبت از ناظم میکنند.

حال چرا اینقدر کشمکش بین این دو دسته در گرفته ؟

چنین بنظر میرسد این کشمکش ناشی از تبعیض است که بر هر يك از این دو عقیده مترتب میشود یعنی هر يك به پیروی از عقیده خود دستوراتی را هم لازم الاجرا میدانند و این دستوراتیست که نزاع شدیدی را بین دو طرف درگیر کرده است .

اکنون میخواهیم بگویم همانگونه که در اصل اعتقاد بنظم و ناظم فقط يك اشتباه لفظی شده و هر دو طرف مترتب بر بود نظام و حسابی میباشد میان دستوراتی هم که يك تعبیر ناشی از خدا و به تعبیر دیگر ناشی از طبیعت است همین اشتباه لفظی و سوء تفاهم پیش آمده و اعمال خلاف هر دو دسته نیز این اختلاف را دامن زده است زیرا هر يك اوضاع اسف انگیز دیگری را نشانهٔ بطلان عقیده دیگری دانسته است. علت این نزاع دردناک عدم تفکر و تعمق اکثریت مردم است که همیشه صدای همین اکثریت در اجتماع خود نمائی میکند .

طرفداران طبیعت چنین فکر میکنند که اعتقاد بقضا و دستوراتیکه از طرف

پیشروان این مکتب در مورد شرافت ، راستی ، تقوی ، فضیلت ، محبت و نیکوکاری صادر شده همه آنها انحرافات است که بدون توجه بهمان قانون و نظم و رعایت اصول دقیق زندگی وضع شده و حتی بعضی بی انصافی را بجائی رسانیده اند که ادعا نموده اند این دستورات فقط برای آن وضع شده که ضما را در زنجیر منوبیت بکشاند تا هیچگاه علیه اقویا قیام نکنند . طرفداران خداهم چنین میاندیشند که اعتقاد به طبیعت و پیروی از قوانین مربوط بآن ربطی با هیچگونه فضیلت و دوستی و محبت و بالاخره دستورات اخلاقی و تزکیه نفس نداشته و نمیتواند ناشی از آن قوانین باشد و نتیجتاً چنین فکر کرده اند که این فضائل را فقط از آنجا که طبعاً خوبست برای آنها وضع کرده اند نه اینکه چون این فضائل ناشی از ماهیت نظم و ترتیبی است که بآن معتقدند طبعاً خوبست .

چنین بنظر میرسد که هر دو (۱) دسته طبیعت و خدای خود را بدون تفکر

و تعمق پذیرفته اند .

---

(۱) - منظور اکثریت مردمی است که نمی فهمند و مملکت ایدئولوژیهای

قلط را بر کرسی می نشاندند .

## گنج شایگان ————— خدا یا طبیعت

اولی : از یکطرف با لجاج و از سوی دیگر بهمت عدم پیشرفت کامل علم خصوصاً در آنچه مربوط بقوانین زندگی و فراز و نشیب آنست توانسته اند بفهمند اولاً اعتقاد به ناظم برنظم رحمان دارد و ثانیاً اعتقاد بمضائل زندگی ناشی از قوانین اصلی زندگی و مبتنی بر تجربیات است . گروه دوم هم با لجاج و ازسوی دیگر عدم تفکر فراموش کرده اند که از نظم طبیعت وجستجوی دقیق درامور زندگی و بررسی اعمال افراد واقوام واهتلاوسقوط آنهاخاداردریافته و سپس بلزوم فضائل متفکرگشته اند .

با ذکر این مقدمه روشن است که هر شخص متفکر وکنجکاری باموشکاری دراسرارطبیعت وزندگی بمبدأ اصلی و دستورات اوخواهد رسید همچنانکه بسیاری رسیده اند و در اینجا چون منظور معرفتی يك كتاب بسیار نفیس و ذقیمت بود میتوانیم بگوئیم که مولف ارجمند و بزرگوار این کتاب یعنی کتاب راه و رسم زندگی یکی از همین برجستگان عالم انسانیت است که باکنجکاری و موشکافی دردقائق طبیعت و بررسی احوال شخصی و اجتماعی وعلل سقوط تمدن های گذشته ومعاصر بمبدأ یگانه و دستورات ناشیه از آن رسیده است . دکتر کارل یکی ازمفاخر عصر حاضر و کتب اوخصوصاً کتاب راه و رسم زندگی حاصل و نتیجه يك عمر تفکر و احوال خود نگریستن است ودریغ است اگر جوانان روشنفکرما از مطالعه دقیق آن غفلت ورزند . این دانشمند بزرگ بسا توجه بدقائق و اسرار طبیعت و بخصوص رموز زندگی چنین میانديشند که برای شناختن راه حقیقت باید بساختمان خود توجه کنیم و هر موجودیکه بخواهد بفهمد تکلیف او چیست باید بفهمد چگونه ساخته شده است واز آنجا بقانون اول زندگی یعنی حفظ حیات برمبغورد زیرا می بیند که تمامی اعمال موجود درجهت بقاء وطول عمرتوجه میشود و سپس بقانون بقاء نسل میرسد که موجودات خواه انخواه این قانون راهم گردن مینهند و آنگاه بابیان شیرینی متوجه این نکته میشود که موجودات طی تکامل تمتد خود از قانون سومی بنام قانون تعالی پیروی میکنند . بمبدأ استنباط مینماید که طبیعت قانون اول را فدای دومی و دومی را فدای سومی کرده و سرانجام بساین نتیجه میرسد که طبیعت فرد را فدای اجتماع و نسل نموده و ایندو درراه تعالی روانی قدم برداشته و فدامیشوند . آنگاه میگوید برای موفقیت در زندگی باید ازاین سه قانون پیروی کرد و طبق نظم طبیعت در هر موقع ایجاب کند یکی را فدای دیگری نمود و میگوید :

برای پیروی از این سه قانون لازم است که در آن واحد از مقررات جسمی و روانی پیروی نمود . برای انسان متعادل برورش جسم و حسن جمال و تفکر و اخلاق

## کنج شایگان ————— خدا یا طبیعت

و مذهب همه ضروریست . سپس میگوید : انسان بتدریج در طی تکامل از خود کاری غریزه بمالم اراده افتاده است و بنا بر این برای اطاعت از قوانین زندگی لازمست اراده خود را کنترل کند زیرا که طبعاً بسوی میگرداید که تماماً آسایش و راحتی و تمایلات افراطی است و این مستلزم تزکیه نفس است و از آنجا ضرورت اطاعت از قوانین اخلاقی را استنتاج مینماید مثلاً در مورد محبت و خودخواهی میگوید : ( تضاد فاحشی میان خود خواهی و محبت بهم نوع که لازمه زندگی اجتماعی است وجود دارد . ساختمان و رشد بدن بواسطه عوامل محیط و کمک افراد دیگر انجام می پذیرد . انسان در طول زندگی جنینی نوعی انکل مادر و تاسن بلوغ انکل خانواده و اجتماع است بدن ترتیب عادت میکند که استفا ه از تمام مواهب محیط را حتی برای خود بداند . بسط اندیوید و آلیسم مرهون این تمایل غریزی بسوی خود خواهی در تمام موجودات زنده است . از طرف دیگر افراط در خود خواهی تشکیل جامعه حقیقی را غیر ممکن میسازد بنا بر این محبت هم نوع نیز همچون خود خواهی ضروریست . میان من و ما ، این دو تمایل متضاد ، بد تعادلسی برقرار شود این تعادل شرط ضروری موفقیت ما در زندگی است همانظوری که دقت حرکات دست مرهون تضاد عملی عضلات خم کننده و راست کننده انگشتان است ) . در جای دیگر میگوید : ( بشریت خواسته است این پیمان محبت را که بخوبی میتواند افراد انسانی را بهم پیوندد در تشکیلات اجتماعی خود نادیده بگیرد و هنوز هم بعید است که بداند جز با محبت متقابل نمیتواند از تشتت و خرابی و آشوب نجات یابد و هنوز نپذیرفته است که هیچیک از اکتشافات علمی ارزش بیشتری از قانون عشقی که بوسیله مسیح مصلوب عرضه شده است ندارد زیرا این قانون در حقیقت سر بنای اجتماعات انسانی است )

آری برستی هنوز زود است تا بشر بفهمد مطالعه در زندگی نیست و بلندی های آن و اعتقاد بفضائل خیلی ضروری تر از مطالعه در دیبای ستارگانست اینها گفته يك دكتور متفكر و زنده دلی است كه از میان همه و غوغای تمدن قرن بیست برخاسته است و مانند همه روشن دلان ، بیلیون ها بشریكه بشتاب در راه سقوط و اضمعلات میروند ندا میدهد كه باید تید ، اندكى درنگ كنید ، تمدن ما منحرف شده است ، حل انحراف را بسوی میشتاسیم اما آیا قادریم كه از سقوط این تمدن مشمخ